

تبیین اسکان غیررسمی از دیدگاه عدالت محیطی

(مطالعه موردی: روستای محمودآباد کرج)

مراد کاویانی راد^{۱*}، سعید عزیزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۵

چکیده:

عدالت محیطی به مثابه رویکردی فراگیر به نابرابری، بر این فرض استوار است که یکایک شهروندان، جدای از وابستگی‌های زیستی و اعتقادی باید در برابر مخاطرات محیطی پدید آمده از مناسبات نابرابر اقتصادی و اجتماعی محافظت شوند. پدیده اسکان غیررسمی یکی از مباحث عدالت محیطی است. داده‌های موجود نشان می‌دهند که نابرابری‌های مکانی در قالب اسکان غیررسمی در ایران عمدتاً برخاسته از روند پُرشتاب شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی بوده است. کلان‌شهر کرج از کانون‌های مهاجرپذیری کشور است که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی متعددی در گسترش اسکان غیررسمی آن نقش داشته‌اند. این در حالی است که پدیده اسکان غیررسمی در روستاهای پیرامون آن نیز در حال گسترش است. رخداد نوپایدی که پیش از این در استان سابقه نداشته است. پژوهش حاضر با رویکردی تبیینی و با بهره‌گیری از یافته‌های کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی بر این فرض استوار است که پدیده اسکان غیررسمی روستایی به عنوان یکی از نمودهای مطالعاتی عدالت محیطی در روستای محمودآباد کلان‌شهر کرج برآیند حضور اکثریت مهاجر کم‌درآمد است. تحلیل یافته‌های استنباطی پژوهش مبتنی بر آزمون «خی دو» (X²) در چارچوب پرسشنامه در مقیاس اسمی طیف لیکرت انجام شده است. جامعه آماری آن ۲۴۳۰ نفر است بر پایه فرمول کوکران، نمونه آماری ۲۲۰ نفر به دست آمد که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و نشانگر آن است که میان عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در گسترش اسکان غیررسمی روستایی در روستای محمودآباد با مهاجرت، شغل سرپرست خانوار، علت انتخاب و... در این روستا رابطه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: عدالت محیطی، اسکان غیر رسمی، روستای محمودآباد کرج.

۱ - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران* (نویسنده مسئول) Email: kaviani@tmu.ac.ir

۲ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران

۱ - مقدمه

برابری، انصاف، اعتدال، برخورداری از فرصت‌های برابر و آزادی، اساسی‌ترین سنجه‌های تبیین و برآورد عدالت هستند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۳۲-۷). فرآیندهایی که به عدالت و بی‌عدالتی می‌انجامند اغلب نمود فضایی دارند و زیست‌بوم انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مسائلی همانند ناکارآمدی نظام توزیع، اقتصاد آلوده به ویژه خواری، انفجار جمعیت، محرومیت اجتماعی و فرسای محیطی به نابرابری‌های فضایی، قطبی شدن سکونتگاه‌ها و ناپایداری محیطی آن‌ها می‌انجامد. الگوهای فضایی برخاسته از چنین فرآیندهایی می‌توانند سازمان اجتماعی و کنش ساکنان این محدوده‌ها را متأثر کنند. در این باره، جغرافی‌دانان علاقه‌مند هستند که بدانند چگونه بی‌عدالتی در فضا نمود می‌یابد و تولید فضا می‌کند (Bullard, ۲۰۰۰). از منظر جغرافیایی، پیامدهای فضایی نابرابری در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برابر در مکان‌های مختلف نمودها و پیامدهای متفاوت دارند؛ به گونه‌ای که بازتاب‌های آن می‌توانند در قالب جدایی‌گزینی فضایی، قطبی شدن فضا، مقیاس‌ها و سطوح به هم پیوسته جغرافیایی از سطح محلی تا فراکشوری را متأثر کنند (Ibid). نابرابری فضایی که تجلی مکانی توزیع نابرابر فرصت‌ها و منزلت‌های اجتماعی در فضا به شمار می‌رود در فضای سکونتگاهی می‌تواند عدالت محیطی را برآشوبد. جستار محیط جغرافیایی، ناظر بر پیوستگی و هماهنگی بن‌مایه‌های محیط طبیعی با ساختار محیط اجتماعی - اقتصادی جامعه است. بر این پایه، در چند دهه گذشته جستارهای جغرافیای جرم، عدالت اجتماعی و نابرابری، توسعه پایدار و ابعاد عدالت میان‌نسلی مورد توجه جغرافی‌دانان بوده است به گونه‌ای که در قالب جغرافیای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به مباحث عدالت اجتماعی و بی‌عدالتی پرداخته‌اند (Smith, ۱۹۹۴: ۱۲۸). در این میان، مفهوم «عدالت محیطی» در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برای نقد همپوشانی فضایی میان اشکال نابرابری، محرومیت اجتماعی و اقتصادی و آسیب‌پذیری نواحی محروم، طرح مسأله شد (Rechtschaffen and Gauna, ۲۰۰۲).

XIX). در این میان، جُستار اسکان غیررسمی را می‌توان به‌عنوان یکی از نمودهای مطالعاتی در قالب ادبیات عدالت محیطی پی گرفت. به این مفهوم که شناسه‌های اسکان غیررسمی در قالب خانه‌های نامعمول، فزونی و تراکم بالای جمعیت، آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، اشتغال غالب در مشاغل غیر رسمی، تصرف غیر قانونی زمین و... که اغلب نمودی فضایی دارند بر آیند تمرکز ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص (شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها) هستند که نخستین پیامد آن تشدید مهاجرت‌ها در چهارچوب گسترش بی‌رویه اسکان غیررسمی است. کلان‌شهر کرج در چند دهه اخیر جمعیت مهاجر فقیر بسیاری را در شکل اسکان غیررسمی پیرامون خود جای داده است. اسکان غیررسمی افزون بر حاشیه کلان‌شهر کرج در روستاهای پیرامون آن نیز در حال گسترش است. روستای محمودآباد از توابع کمال‌آباد کرج در یک دهه گذشته از جمله کانون‌های مهاجرپذیر استان بوده است که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مختلفی در گسترش اسکان غیررسمی آن نقش بنیادی داشته‌اند. از این رو، پدیده اسکان غیررسمی روستایی جستار نوپدید است که پیش از این در کشور سابقه نداشته است و به‌نظر می‌رسد روند دامنه‌داری باشد که از این پس، رو به گسترش خواهد بود.

۲- روش و فرضیه تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و توصیفی با بهره‌گیری از یافته‌های کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی بر این فرض استوار است که «پدیده اسکان غیررسمی روستایی» به‌عنوان یکی از نمودهای مطالعاتی عدالت محیطی در روستای محمودآباد کلان‌شهر کرج بر آیند حضور اکثریت مهاجر کم درآمد و فقیر و بهای پایین زمین و مسکن است. تحلیل یافته‌های استنباطی پژوهش حاضر مبتنی بر آزمون خی دو (X²) به‌عنوان آزمونی ناپارامتریک است که در آن بر پایه فراوانی (تعداد) مشاهده‌شده و فراوانی مورد انتظار به بررسی متغیرهای بومی یا مهاجر بودن، دلیل مهاجرت، شغل، علت انتخاب روستا در روستای یاد شده پرداخته می‌شود. جامعه آماری تحقیق، ساکنان روستای محمودآباد اعم از مهاجر و بومی

۲۴۳۰ نفر است که بر پایه فرمول کوکران، نمونه آماری به دست آمده شامل ۲۲۰ نفر از ساکنان روستای مورد نظر می‌شود که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. داده‌های مورد نیاز پژوهش از رهگذر پرسشنامه در قالب طیف لیکرت گردآوری شده است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- عدالت

مهم‌ترین مسأله در جستار عدالت، نقد مناسبات نابرابر جامعه است. از آنجا که رابطه معناداری میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادها و طبیعی وجود ندارد پرداختن به نابرابری‌ها و نفی آنها، بُن‌مایه جستار عدالت به شمار می‌رود (امینی سابق و عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۶). عدالت در جایگاه اساسی‌ترین مفهوم حقوق انسانی، ایجاد رابطه خاص میان اهداف عالی و نوع زندگی انسان همانند رفاه و معرفت بهره‌برداری از فرصت‌های جامعه (همچون دارایی و منزلت) است. بر این اساس، عدالت، پدیده‌ای معطوف به عمل به شمار می‌رود (شریف‌زادگان، ۱۳۸۶: ۱۰) که پیشوندهای بسیاری بر این واژه افزوده شده و از همان دیدگاه نیز به تبیین و تفسیر عدالت موضوعی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد این نابرابری‌ها عمدتاً بازتاب و برآیند نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و توزیع، ساختارهای اقتصادی، عوامل طبیعی، تحولات نظام سرمایه، پویایی نیازها، خواست‌های اجتماعی و دگرگونی مفاهیم و مصادیق باشد. دگرگونی‌هایی که نمود عینی و فضایی آن در قالب جنبش‌های اجتماعی، تمرکز سرمایه و قطبی‌شدن سکونتگاه‌ها و اجتماعات آشکارا مشهود است و هر کدام، به شیوه‌ای مقوله اسکان را به چالش می‌کشند.

۳-۲- جستار عدالت در جغرافیا

مسائل مربوط به توزیع، نابرابری و بی‌عدالتی همواره مورد توجه سنت‌های تحلیلی و پژوهشی جغرافیا بوده است (Bullard, ۲۰۰۰). به‌طور مشخص، طرح جستار عدالت در علوم جغرافیایی به اواخر دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. در این دوران جغرافی‌دانان با طرح همبستگی میان نابرابری‌های اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، اندیشه‌های

جغرافیایی را در مسیرهای تازه‌ای (شکویی، ۱۳۸۶: ۱۴۱) در قالب مفاهیمی چون عدالت فضایی، مدیریت فضا و تعادل ناحیه‌ای رهنمون شدند. سازمان فضا، بُعد مهم جوامع بشری است که بازتاب واقعیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود و مناسبات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Harve, ۱۹۹۲: ۵۸۸-۶۰۱) در نتیجه، هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا قابل مشاهده هستند. بنابراین، درک بی‌عدالتی‌های اجتماعی و تدوین سیاست‌های محلی، نیازمند به‌واکاوی تعامل فضا و جامعه است (Mitchell, ۲۰۰۳: ۹۰۹-۹۲۹). ادبیات عدالت به ویژه عدالت محیطی گویای مشارکت چشمگیر جغرافی‌دانان در پژوهش‌های تجربی متعدد درباره الگوهای مکان‌یابی در تحلیل فرآیند توسعه شهری و صنعتی است (Bullard, ۲۰۰۰). حضور و پویای انسان در محیط طبیعی زمینه دگرگونی آن را به محیط جغرافیایی فراهم می‌کند (رهنمایی، ۱۳۷۱: ۳). از این رو، محیط جغرافیایی آمیزه‌ای از محیط انسان‌ساخت برخاسته از نظام اجتماعی و اقتصادی و محیط طبیعی است که برای کنش متقابل آن‌ها زمینه‌پویندگی و تداوم حیات اجتماع را فراهم می‌کند. محیط جغرافیایی از درهم‌تنیدگی وضعیت اجتماعی - اقتصادی ساختار جامعه و لایه زندگی یا همان زیست کره به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). بر این اساس، محیط، صرفاً درون‌مایه‌ای طبیعی ندارد و عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، ژئوپلیتیک، سرمایه و رسانه در پاگیری آن نقش آفریده‌اند.

۳-۳- عدالت محیطی

واژه محیط ناظر بر روابط متقابل بین مایه‌های طبیعی (آب، هوا و زمین) و زیستی است که پیرامون موجود زنده (انسان) را فراگرفته و با بخش‌های مختلف جامعه ارتباط مستقیم دارد. در چند دهه اخیر، واژه محیط، پسوند دانش‌واژه‌های نوپدید بسیاری در گستره عدالت و نابرابری بوده است. اصطلاح «عدالت محیطی» در دهه ۱۹۸۰ برای تبیین وضعیت سکونتگاه‌های جوامع فقیر رنگین‌پوست ایالات متحده که متأثر از پیامدهای ناشی از مجاورت با محدوده‌های آلوده، آلاینده‌ها و دیگر کاربری‌های نامطلوب بودند به کار رفت (Bullard & at all, ۲۰۰۷). از آن زمان به بعد، جستار عدالت محیطی پیوستگاه جنبش‌های

اجتماعی، سیاست عمومی و پژوهش‌های علمی بوده است (Lynn, ۱۹۹۵: ۲-۴). عدالت محیطی رفتار منصفانه، عادلانه و مشارکت معنادار همگان (جدای از مسائل نژادی، رنگ پوست، ملیت یا درآمد) با توجه به توسعه، پیاده‌سازی و اجرای قوانین، مقررات و سیاست‌های محیطی برای همه افراد و جوامع در سراسر کشور است. این مهم آن‌گاه قابل دست‌یابی است که یکایک شهروندان به گونه‌ای همسان از مخاطرات محیطی و بهداشتی محافظت شوند و برای داشتن محیطی سالم برای زندگی، آموزش و کار در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت کنند (Bryant, ۱۹۹۵: ۶). عدالت محیطی به بررسی چگونگی سرشکن شدن فشارها و دشواری‌های برخاسته از مخاطرات و مقررات محیطی میان افراد و گروه‌های درون جامعه به ویژه اقلیت‌ها و کم‌درآمدها می‌پردازد (Bullard, ۲۰۰۰: ۷۸). یافته‌ها و داده‌های موجود نشان می‌دهند که قلمرو محدوده‌های اسکان غیر رسمی، بیشتر به مخاطرات مختلف محیطی دچار می‌شوند. از آن‌جا که بهای مسکن در این محدوده‌ها کمتر است بیش‌تر ساکنان آن‌ها را گروه‌های کم‌درآمد و حاشیه‌نشین تشکیل می‌دهند. به عبارتی، همبستگی طبقه و مخاطرات محیطی بازتاب نقش مکان در اسکان گروه مهاجر کم‌درآمد است که متأثر از نقش مخاطرات در هزینه‌های مسکن به تبعیض در مکان انجامیده است (Pastor and Sadd, ۲۰۰۱: ۱-۲۱). مهاجران و گروه‌های کم‌درآمد شهری از جمله رانده‌شدگان از متن به حاشیه هستند که به سبب ارزانی بهای زمین و اجاره مسکن در حاشیه شهرها و روستاهای پیرامون شهرها به صورت اسکان غیررسمی سکنی گزیده‌اند (زنگی-آبادی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۷۹).

۳-۴- اسکان غیررسمی

اسکان غیررسمی در شکل غالب خود با تصرف زمین و ساخت غیررسمی مسکن، رعایت نکردن ضوابط و مقررات رسمی و متعارف شهری و ساختمانی، کمبود شدید خدمات زیرساختی و استفاده غیررسمی از زیرساخت‌های شهری، رشد سریع کالبدی و جمعیتی، اشتغال غالب غیررسمی و به تبع آن ناپایداری سازه‌ای و تأسیساتی، پایین بودن سرانه‌های خدماتی و ناپایداری درآمد، در نهایت بستر کالبدی مناسب برای رشد

آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های کجرو و ایجاد پناهگاه مناسب برای مجرمان و بزهکاران اجتماعی شناخته می‌شود (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۷: مقدمه). پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسایل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند مهاجرت‌های بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی رسمی از روستا به شهر، چالش‌های فرآیند مدیریت کلان (ملی) و خُرد (شهری)، نبود نگرش آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، پدید آمده است (بوچانی، ۱۳۸۳: ۶۰). سکونتگاه‌های غیررسمی از نظر ترکیب اجتماعی جمعیت، اجتماعاتی متشکل از اقشار فقیر و کم‌درآمد و بدون تنوع اجتماعی هستند و ترکیب نامتعادل آن‌ها در زمان تغییر چشمگیری ندارد (غمامی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۶) و ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و قول و قرارهای خاص خود، به دست خود ساکنان این گونه مکان‌ها، ساخته شده است (پیران، ۱۳۸۱: ۸) و این سکونتگاه‌ها در حدی پایین‌تر از استانداردهای تعریف‌شده برای هر منطقه ایجاد می‌شوند (خاتم، ۱۳۸۱: ۵). این شکل از اسکان، در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای پایدار و رو به گسترش است. از این‌رو، در مهم‌ترین اسناد جهانی و از جمله در اهداف توسعه هزاره ضرورت بهبود سریع این وضعیت مورد توجه قرار گرفته است (صرافی، ۱۳۸۳: ۳۳). بر پایه آمار موجود، در کشورهای در حال توسعه، ۵۰ درصد جمعیت شهری در آلونک‌ها و نواحی حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند که در برخی از شهرها این نسبت به ۸۰ درصد هم می‌رسد. با توسعه شهری و افزایش جمعیت شهرهای مسلط و بزرگ جهان سوم، مناطق آلونک و حاشیه‌نشین نیز به سرعت گسترش خواهند یافت و بخش بزرگی از شهرها به نواحی آلونک‌نشین تبدیل خواهند شد (شکویی، ۱۳۸۵: ۴۵۲).

۴- محیط شناسی مسأله

۴-۱- اسکان غیررسمی در ایران

حاشیه‌نشینی در ایران برآیند ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته بوده است و رشد و گسترش آن بیش‌تر به سال‌های پس از ۱۳۲۰ بازمی‌گردد (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۲) به گونه‌ای که از آن زمان به بعد فعالیت‌های تجاری، اقتصادی و خدماتی در شهرهای بزرگی همچون تهران رونق گرفت. به دنبال آن هجوم مهاجران به سوی قطب‌های جاذب شروع شد. پس از اشیاع بخش اشتغال شهرها از یک سو و سرازیر شدن کالبد شهرها از مهاجران از سوی دیگر، حاشیه‌نشینی رخ نمود (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۵: ۱۲۲) که از نظر زمانی تقریباً همزمان با گسترش تأسیسات شهری، شبکه‌های ارتباطی و افزایش درآمدهای نفتی و رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری از یک سو و اصلاحات ارضی، مکانیزاسیون کشاورزی و تشدید دافعه روستایی از سوی دیگر بود (طالشی و فخریان، ۱۳۹۰: ۸۵). این شکل از اسکان در ایران رشدی سریع‌تر از رشد شهرنشینی رسمی داشته است (صرافی، ۱۳۸۱: ۵). برآورد می‌شود دست کم یک هشتم جمعیت شهری کشور (حدود چهار و نیم میلیون نفر) در سکونتگاه‌های غیررسمی مستقر هستند و تداوم روند موجود، نسبت آن را در آغاز دهه آینده به یک‌چهارم جمعیت شهری و تعداد آن را به بیش از دو برابر خواهد رساند (سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۱۳۸۲: ۲). شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین عمدتاً در چهارچوب سکونت بدون برنامه و خارج از ضوابط افراد و گروه‌ها در زمین‌ها و سکونتگاه‌های پیرامون شهری است. از جمله این زمین‌ها و سکونتگاه‌ها می‌توان به سکونتگاه‌های روستایی پیرامون نقاط شهری اشاره کرد که متأثر از مهاجرت از دیگر نقاط روستایی و شهری در کوتاه زمانی شمار زیادی از این مهاجران را در خود جای می‌دهند و به تدریج تبدیل به محدوده‌ای حاشیه‌ای پیرامون نقاط شهری می‌شوند. متأثر از رشد فزاینده جمعیت، این سکونتگاه‌های روستایی به هسته جمعیتی پیرامون شهر تبدیل می‌شوند که در صورت تداوم توسعه کالبدی شهر یا خود این

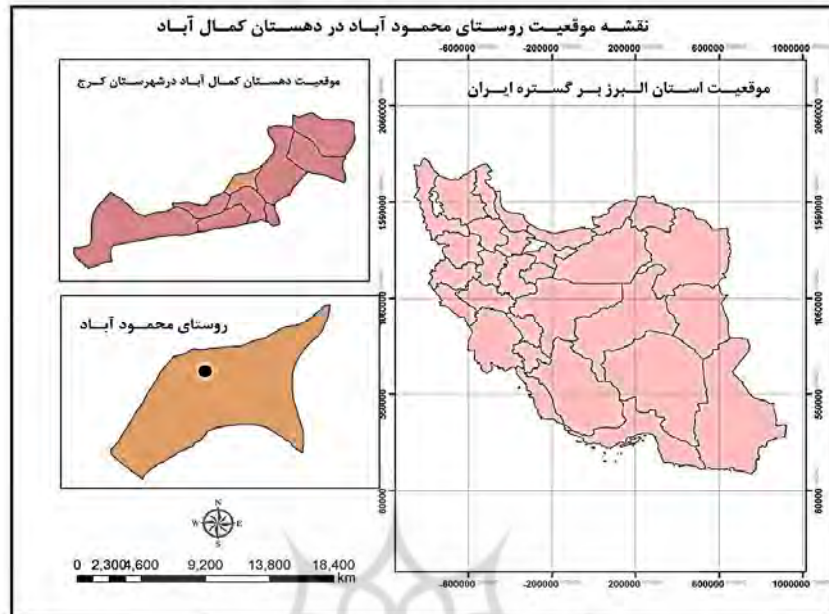
سکونتگاه‌ها، به محدوده شهری می‌پیوندند. بر این پایه، سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان-شهرها که رشد بالای جمعیتی و گسترش فیزیکی دارند در آینده توانش بالایی در توسعه حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی خواهند داشت.

۴-۲- اسکان غیررسمی در کلان‌شهر کرج

کلان‌شهر کرج در چهار دهه اخیر به واسطه برخورداری از امکانات متنوع و استقرار بخش مهمی از کارخانجات و فعالیت‌های پایه‌ای در پیرامون خود، بخش قابل توجهی از جمعیت مهاجر کشور را پذیرفته و جمعیت آن به شدت افزایش یافته است. تپه زورآباد به‌عنوان نخستین مکان اسکان غیررسمی، پی‌گذار شکلی از سکونت در کلان‌شهر کرج شد که شهرت ملی و جهانی یافته است، هرگز در خود محصور و محدود نماند؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی اسکان غیررسمی در محدوده کرج به شدت رشد کرد و کانون‌های غیررسمی دیگری را شکل داد (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۷: مقدمه). در این میان، تأمین سرپناه و مسکن برای این جمعیت مهاجر از طریق سازوکارهای قانونی مهم‌ترین مسأله و دل‌مشغولی مسئولان بوده است. این در حالی است که بیشتر مهاجران از نظر اقتصادی قادر به تأمین مسکن در بخش رسمی شهر نیستند. وجود اراضی ارزان‌قیمت در نواحی حاشیه‌ای و روستاهای پیرامون کلان‌شهر کرج باعث شده است که مهاجران به صورت خودجوش و بدون برنامه، به ایجاد خانه‌های غیررسمی و گسترش آن اقدام کنند (خوش‌بخت، ۱۳۸۵: ۵). بر پایه واپسین آمار و داده‌های سال ۱۳۹۱ کلان‌شهر کرج با حدود ۹۵ هزار نفر حاشیه‌نشین، با مسأله اسکان غیررسمی روبه‌رو است (دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی، ۱۳۹۱). بر این پایه، اسکان غیررسمی افزون بر حاشیه کلان‌شهر کرج در روستاهای پیرامون آن نیز در حال گسترش است؛ جستار نوپدیدی که پیش از این در کشور سابقه نداشته است و به نظر می‌رسد روند دامنه‌داری باشد که از این پس، رو به گسترش خواهد نهاد.

۳-۴- روستای محمودآباد کرج

همان گونه که اشاره شد وجود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی مناسب در کلان-شهر کرج درصد بالایی از مهاجران را در حاشیه و روستاهای پیرامونی خود جذب کرده است. روستای محمودآباد از توابع دهستان کمال‌آباد در پیرامون کلان‌شهر کرج از جمله روستاهایی است که اکثریت ساکنان آن را مهاجران تشکیل می‌دهند. روند رشد جمعیت روستای محمودآباد در سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ نشان دهنده افزایش جمعیت با نرخ رشدی برابر با ۱۰/۹۶ درصد است که در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ این نرخ رشد به ۶/۴ رسید. در سال ۱۳۸۵ جمعیت روستای محمودآباد ۲۴۳۰ نفر در قالب ۶۸۰ خانوار بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). ارزانی بهای زمین و مسکن و نزدیکی به کلان‌شهر کرج سبب شده است که در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ جمعیت این روستا نرخ رشدی برابر با ۶/۴ درصد را تجربه کند. اصلی‌ترین عامل گزینش روستای یادشده به‌عنوان محیط شناسی مسأله، «پدیده اسکان غیررسمی روستایی» در این روستاست؛ و یافته‌های موجود گویای آن است که بروز این وضعیت پیش از آن سابقه نداشته است. (نقشه ۱).



نقشه ۱- موقعیت روستای محمودآباد در دهستان کمال آباد
(ترسیم از نگارندگان)

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های توصیفی

نتایج بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد؛ بیشتر ساکنان این روستا (۷۹/۱ درصد) مهاجر هستند و معضل بیکاری (۳۸/۲ درصد) اصلی‌ترین دلیل مهاجرت آن‌ها بوده است. نیز، ارزانی بهای زمین و مسکن (۵۴/۵ درصد) باعث شده است که مهاجران، این روستا را برای اقامت برگزینند. از این رو بیشتر سرپرستان خانوار در روستای محمودآباد از دهک‌های پایین جامعه (۷۷/۳ درصد) هستند و به طبقه کارگری تعلق دارند.

جدول ۱- روند رشد جمعیت روستای محمودآباد

شرح	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	-	-	۴۶۰	۱۳۰۲	۲۴۳۰
خانوار	-	-	۹۷	۲۹۲	۶۸۰
نرخ رشد جمعیت	-	-	-	۱۰/۹	۶/۴

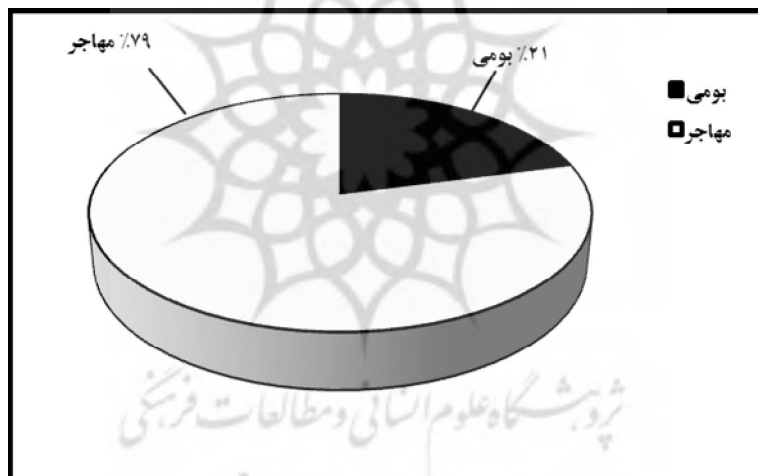
منبع: بررسی‌های میدانی (سال ۱۳۹۱)

۲-۵- یافته‌های استنباطی

تحلیل یافته‌های استنباطی پژوهش حاضر مبتنی بر آزمون خی دو (X^2) به‌عنوان آزمونی ناپارامتریک است که در آن بر پایه فراوانی (تعداد) مشاهده‌شده و فراوانی مورد انتظار به بررسی متغیرهای بومی یا مهاجر بودن خانوار، دلیل مهاجرت خانوارها، شغل سرپرست خانوار، علت انتخاب روستا و... به‌عنوان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مؤثر در پدیده اسکان غیررسمی در روستای محمودآباد پرداخته می‌شود. گفتنی است که جامعه آماری این تحقیق ساکنان روستای محمودآباد اعم از مهاجر و بومی ۲۴۳۰ نفر است که بر پایه فرمول کوکران، نمونه آماری به‌دست آمده شامل ۲۲۰ نفر است که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در باره بومی یا مهاجر بودن خانوارها، بیشترین فراوانی مربوط به خانوارهای مهاجر است که با توجه به مقدار خی دو ۷۴/۴۷ با ۹۹ درصد اطمینان ($P \leq 0/01$) معناداری بالایی را می‌نمایند؛ به‌این مفهوم که اختلاف مشاهده شده اتفاقی نیست و رابطه معناداری میان درصد خانوارهای مهاجر (۸۰٪) با درصد بومیان (۲۰٪) حاضر در نمونه آماری وجود دارد.

جدول ۲- آزمون رابطه میان خانوارهای مهاجر و بومیان حاضر در نمونه آماری

معناداری	خی دو	فراوانی			بومی یا مهاجر
		باقی مانده	مورد انتظار	مشاهده شده	
		-۶۴	۱۱۰	۴۶	بومی
۰/۰۰۰	۷۴/۴۷۳	۶۴	۱۱۰	۱۷۴	مهاجر
			۲۲۰		جمع کل



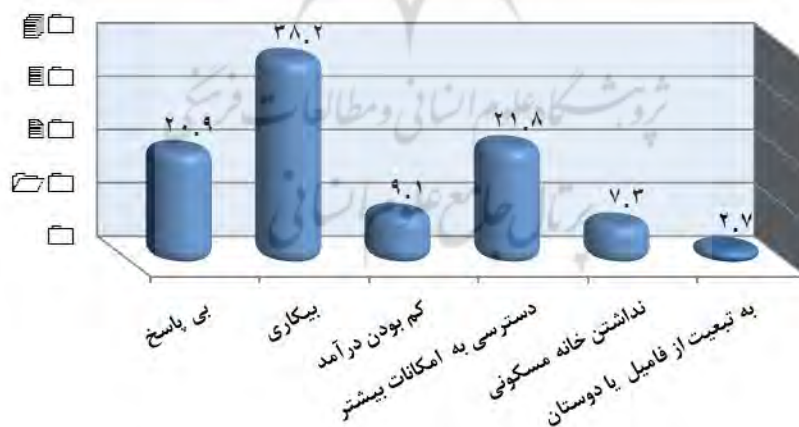
شکل ۱- بومی یا مهاجر بودن خانوار

یافته‌ها درباره دلیل مهاجرت خانوارها نشان می‌دهند که از حجم جامعه ۲۲۰ نفره، ۱۷۴ نفر پاسخ داده‌اند. از آن میان بیشترین فراوانی مربوط به بیکاری با ۴۸ درصد است که با توجه به مقدار خی دو (۱۱۴/۸۵) با ۹۹ درصد اطمینان ($P \leq 0/01$) معنادار است. به این مفهوم که اختلاف مشاهده شده اتفاقی نیست و رابطه معناداری میان دلیل مهاجرت و بیکاری در قالب

۸۴ نفر با ۴۸ درصد، دسترسی به امکانات بیشتر ۴۸ نفر (۲۸ درصد)، پایین بودن درآمد با فراوانی ۲۰ نفر (۱۱ درصد)، نداشتن خانه ۱۶ نفر (۹ درصد) پیروی از دوستان و آشنایان ۶ نفر (۳ درصد) است از این رو، مهم ترین علت مهاجرت به این روستا بیکاری مهاجران از مبدأ بوده است (جدول ۳).

جدول ۳- آزمون رابطه میان مهاجرت و بیکاری

معناداری	خی دو	فراوانی		دلیل مهاجرت	
		باقی مانده	مورد انتظار		
۰/۰۰۰	۱۱۴/۸۵۱	۴۹/۲	۳۴/۸	۸۴	بیکاری
		-۱۴/۸	۳۴/۸	۲۰	کم درآمد بودن
		۱۳/۲	۳۴/۸	۴۸	دسترسی به امکانات بیشتر
		۱۸/۸	۳۴/۸	۱۶	نداشتن خانه
		۲۸/۸	۳۴/۸	۶	پیروی از بستگان و آشنایان
				۱۷۴	جمع کل



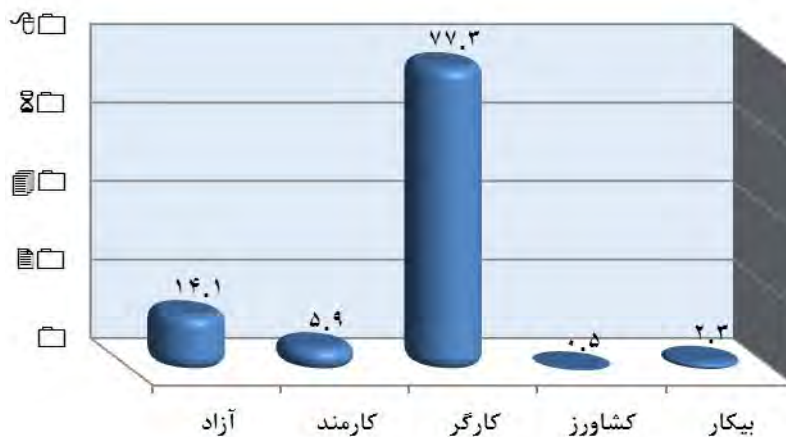
شکل ۲- دلیل مهاجرت خانوار

منبع: بررسی‌های میدانی (سال ۱۳۹۱)

یافته‌های میدانی در باره ارتباط شغل سرپرست خانوارها با انتخاب روستای محمودآباد با حجم نمونه ۲۲۰ نفر که همگی پاسخ داده‌اند نشان می‌دهند که فراوانی ۱۷۴ نفر (۷۹ درصد) کارگر هستند که پس از آن مشاغل آزاد با ۳۱ نفر (۱۴ درصد)، کارمند ۱۳ نفر (۶ درصد) و افراد بیکار و کشاورز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند؛ که از آن میان بیشترین فراوانی مربوط به [جمعیت] کارگری نزدیک به ۸۰ درصد است که با توجه به مقدار X^2 دو (۴۶۳/۰۹) با ۹۹ درصد اطمینان ($P \leq 0.01$) معنادار است. به این مفهوم که اختلاف مشاهده شده اتفاقی نیست و رابطه معناداری میان دلیل شغل سرپرست خانوارها با انتخاب روستای یادشده وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴- ارتباط شغل سرپرست خانوارها با انتخاب روستای محمودآباد

معناداری	خی دو	فراوانی		مشاهده شده	شغل
		باقی مانده	مورد انتظار		
۰/۰۰۰	۴۶۳/۰۹۱	-۱۳	۴۴	۳۱	آزاد
		-۳۱	۴۴	۱۳	کارمند
		۱۲۶	۴۴	۱۷۴	کارگر
		-۴۳	۴۴	۱	کشاورز
		-۳۹	۴۴	۵	بیکار
		۲۲۰			جمع کل

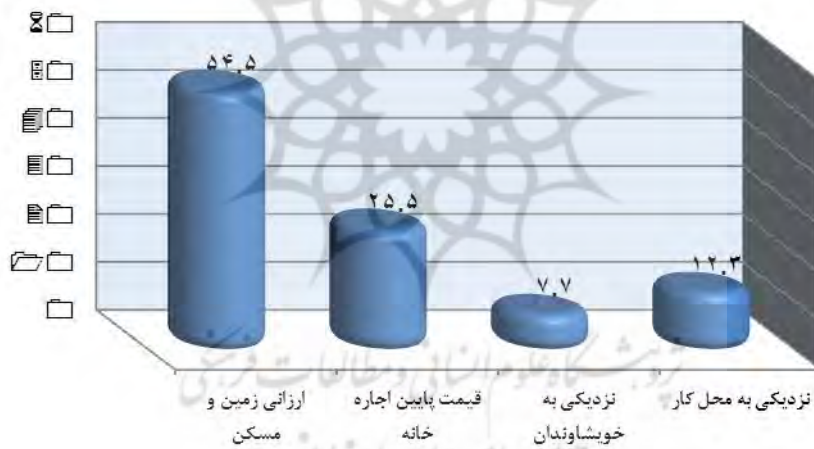


شکل ۳- درصد شغل سرپرست خانوار

یافته‌های میدانی در باره علت انتخاب روستای محمودآباد با حجم نمونه ۲۲۰ نفر که همگی پاسخ داده‌اند نشان می‌دهند که فراوانی ارزانی زمین و مسکن با ۱۲۰ نفر (۵۵ درصد)، پایین بودن اجاره خانه با فراوانی ۵۶ نفر (۲۵ درصد)، فراوانی نزدیکی به محل کار با ۲۷ نفر (۱۲ درصد) و نزدیکی به خویشاوندان با فراوانی ۱۷ نفر (۸ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند؛ که با توجه به مقدار χ^2 دو (۱۱۷/۳۴) با ۹۹ درصد اطمینان ($P \leq 0.01$) معنادار است. به این معنا که اختلاف مشاهده شده اتفاقی نیست و رابطه معناداری میان ارزانی بهای زمین و مسکن و انتخاب روستای یادشده وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵- رابطه میان ارزشیابی زمین و مسکن و انتخاب روستا

معناداری	خی دو	فراوانی			علت انتخاب روستا
		باقی مانده	مورد انتظار	مشاهده شده	
۰/۰۰۰	۱۱۷/۳۴۵	۶۵	۵۵	۱۲۰	ارزانی زمین و مسکن
		۱	۵۵	۵۶	پایین بودن اجاره خانه
		-۳۸	۵۵	۱۷	نزدیکی به خویشاوندان
		-۲۸	۵۵	۲۷	نزدیکی به محل کار
				۲۲۰	جمع کل



شکل ۴- علت انتخاب روستا

منبع: بررسی‌های میدانی (سال ۱۳۹۱)

۶- نتیجه گیری

تمرکز ساخت و سازهای اقتصادی، اجتماعی و سرمایه گذاری در مکان‌های خاص (شهرهای بزرگ و کلان شهرها) در بلندمدت موجب تشدید نابرابری فضایی در سطح سکونتگاه‌ها می‌شود. این روند در جریان توسعه و توسعه نیافتگی مکان‌ها تأثیر قاطعی دارد که نخستین پیامد آن جابه جایی نیروی انسانی به مکان‌های برخوردارتر و تشدید مهاجرت‌ها در قالب گسترش بی‌رویه اسکان غیررسمی است. توازن و تعادل اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان بنیاد عدالت محیطی متأثر از نداشتن استفاده بهینه از فضا، تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت، تضعیف انسجام اجتماعی، تخصیص نیافتن بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی متخصص، تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه و توزیع نامتناسب جمعیت در فضا دچار آشفتگی می‌شوند. تحلیل یافته‌های توصیفی و استنباطی پژوهش حاضر نشان داد که میان عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در گسترش اسکان غیررسمی در روستای محمودآباد به‌عنوان متغیرهای عدالت محیطی با مهاجر بودن خانوار، دلیل مهاجرت خانوارها، شغل سرپرست خانوار و علت انتخاب این روستا ارتباط وجود دارد. نمود فضایی آن نیز در شکل «پدیده اسکان غیررسمی روستایی» نمود یافته است؛ به این مفهوم که پدیده یادشده در روستایی که خود در حاشیه قرار دارد، به واسطه اوضاع نامساعد اقتصادی - اجتماعی مهاجران و بهای پایین مسکن در آن روستا شاهد «پدیده اسکان غیررسمی روستایی» است.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)؛ مقدمه‌ای برای جایگاه عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۰.
۲. امینی‌سابق، زین العابدین و عباس‌زاده، یداله (۱۳۸۹)؛ نقش دولت در توسعه عدالت اجتماعی، فصلنامه مدیریت دولتی، سال اول، پیش شماره دوم.
۳. بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۳)؛ ماهنامه شهرداریها، اسکان غیررسمی در محله بان برز ایلام، شماره ۶۶.
۴. پیران، پرویز (۱۳۸۱)؛ بازهم در باب اسکان غیررسمی: مورد شیرآباد زاهدان، فصلنامه هفت شهر، شماره نهم و دهم.
۵. خاتم، اعظم (۱۳۸۱)؛ اسکان غیررسمی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۵.
۶. خوش بخت فشتمی، نوشا (۱۳۸۵)؛ بررسی اسکان غیررسمی در محور شرقی کمربندی کرج به منظور توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری با استفاده از GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۷. رهنمائی، محمدتقی (۱۳۷۱)؛ توان‌های محیطی ایران، چاپ اول، محل نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۸. زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹)؛ حاشیه‌نشین، چاپ اول، محل نشر شیراز.
۹. زنگی‌آبادی علی، ضرابی اصغر، خوب‌آیند سعید (۱۳۸۴)؛ تحلیل علل اقتصادی- اجتماعی حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۸.
۱۰. سازمان عمران و بهسازی شهری (۱۳۹۱)؛ دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی.
۱۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵)؛ نتایج تفصیلی شهرستان کرج.
۱۲. سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی (۱۳۸۲).
۱۳. شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۸۶)؛ راهبرد توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.

۱۴. شکویی، حسین (۱۳۸۶)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ نهم، تهران: محل نشر گیتاشناسی.
۱۵. شکویی، حسین (۱۳۸۵)؛ رویکردهای نو در جغرافیای شهری، چاپ اول، تهران: محل نشر سمت.
۱۶. صرافی، مظفر (۱۳۸۱)؛ به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۸.
۱۷. صرافی، مظفر (۱۳۸۳)؛ مسئله ای به نام اسکان غیررسمی راه حلی به نام توانمندسازی، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۶.
۱۸. طالبی، مصطفی و امیر فخریان، مصطفی (۱۳۹۰)؛ ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی و آینده حاشیه نشینی در خراسان رضوی، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۹.
۱۹. غمامی، مجید و خاتم، اعظم و اطهاری، کمال (۱۳۸۶)؛ مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی، چاپ اول، تهران: محل نشر شهیدی.
۲۰. مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۵)؛ تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، چاپ ششم، تهران: محل نشر دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. مهندسین مشاور پردازاز، (۱۳۸۷)؛ ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تاکید بر بهسازی شهری، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، جلد اول، مقدمه.
۲۲. Bryant, Bunyan (۱۹۹۵); Environmental Justice: Issues, Policies and Solutions. Washington, D.C: Island Press.
۲۳. Bullard, Robert (۲۰۰۰); Dumping in Dixie: Race, Class and Environmental Quality (Third Edition). Westview Press.
۲۴. Bullard, Robert, Mohai, Paul, Saha, Robin, and Wright, Beverly (۲۰۰۷); Toxic Wastes and Race at Twenty: ۱۹۸۷-۲۰۰۷: Grassroots Struggles to Dismantle Environmental Racism in the United States. United Church of Christ Press.
۲۵. Harvey, David (۱۹۹۲); Social justice, Postmodernism and the City, International Journal of Urban and Regional Research. NO ۱۶.
۲۶. Lynn, William (۱۹۹۵); Geography, Value Paradigms, and Environmental Justice. Newsletter of the Society for Philosophy and Geography. NO:۳.
۲۷. Mitchell, Gordon (۲۰۰۳); an environmental justice analysis of British air quality: Environment and Planning, volume ۳۵.

۲۸. Pastor, Manuel, Sadd Jim and Hipp, John (۲۰۰۱); Which Came First? Toxic Facilities, Minority Move-In, and Environmental Justice. Journal of Urban Affairs. Volume ۱.
۲۹. Perreault, Tom (۲۰۰۷); Geographies of Environmental Justice. <http://www.maxwell.syr.edu/uploaded/Files/faculty/geo/Environmental%۲۰Justice.pdf>.
۳۰. Rechtschaffen, Clifford and Gauna, Eileen (۲۰۰۲); Environmental Justice :Law, Policy, and Regulation. Carolina Academic Press Durham, North Carolina.
۳۱. Smith, David (۱۹۹۴); Geography and Social Justice: Social Justice in a Changing World. Wiley-Blackwell Press.
۳۲. UN-Habitat (۲۰۰۳); the challenge of slums, Global report on Human settlement





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی